

دریچه ۱

ماهیت حقوقی حق زوجه نسبت به بهای ثمنیه

لطیف عبادپور^۱

اشاره:

حق تقسیم شده است به حق مالی و حق غیرمالی. حق مالی هم منقسم است به؛ حق عینی، حق دینی و حق معنوی. حق عینی، حقی است بر عین مال که ممکن است اصلی باشد مثل حق مالکیت و یا تبعی مثل حق وثیقه. حق دینی هم حقی است برای شخصی بر عهده‌ی شخصی دیگر. حق معنوی، حقی است بر آثار فکر و اندیشه یک شخص.

براساس ماده‌ی ۹۴۶ و ۹۴۷ سابق قانون مدنی زوجه با فوت شوهرش از عین اموال منقول او ارث می‌برد و از عرصه سهمی نداشت و قیمت بنا و اشجار فرض زن بود. ماده‌ی ۹۴۶ که اصلاح شد، زمین نیز به اقالام اموال موضوع ارث زوجه افزوده شد. با این حال، محرومیت او از عین زمین و ابنیه و اشجار باقی ماند.

ماده‌ی ۹۴۶ اصلاحی قانون مدنی مقرر داشت: «زوج از همه اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد. در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از همه اموال به ترتیب فوق است».

استثنای ثمنیه اعیانی (و اینک ثمنیه) از سهم الارث سایر وراث چنان در میان نویسندگان

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ پارس آباد.

پیش‌نویس اسناد مالکیت و محررین اسناد مالکیت و ثباتان دفتر املاک و سردفتران اسناد رسمی از دیرباز معمول بوده است که شائبه عینی بودن حق زوجه را نسبت به آن ایجاد نموده است و رفته رفته فراموش کرده‌ایم که این حق نه حق بر ثمنیه؛ بلکه حقی است بر بهای ثمنیه. و منظور از ثمنیه نیز همان يك هشتم ماترك غيرمنقول است و بس. تردیدی نیست که حق زوجه بر بهای ثمنیه از سه حالت خارج نیست؛ یا يك حق عینی است یا يك حق دینی و یا معنوی. نیازی به بیان نیست که حق زوجه بر بها، يك حق معنوی نیست. پس باید آن را یا حق عینی شناخت یا دینی.

طبق ماده‌ی ۹۴۶ ق.م. حقی که به محض فوت شوهر برای عیال او ایجاد می‌شود، حقی نه بر عین و بلکه بر قیمت عین است که قهراً بر ذمه وراثت قرار می‌گیرد.

ماده‌ی ۹۴۸ اصلاحی قانون مدنی نیز تصریح می‌کند: «هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفا کند». این ماده به دلالت التزامی دربرگیرنده تعهد وراثت است به پرداخت قیمت ثمنیه اموال غیرمنقول که اگر التزام به تأدیه نباشد، امتناع از تأدیه، معنا نخواهد داشت. پس حق زوجه بر بهای ثمنیه را باید يك حق دینی شناخت.

ماده‌ی ۹۴۸ ق.م. دربردارنده حق دیگری نیز برای زوجه است. او می‌تواند در صورت امتناع وراثت از تأدیه قیمت، حق خود را از عین اموال غیرمنقول موروثی استیفا کند. این اختیار که قانون‌گذار به زوجه اعطا نموده است، می‌تواند يك نوع حق وثیقه قهری باشد که در صورت امتناع وراثت، او را محق می‌سازد از عین مال بهره‌مند شود و تفاوتش با حق وثیقه‌های ناشی از قرارداد این است که وثیقه‌ی ناشی از عقد باید مطابق مقررات حراج شود و اگر خریداری نبود، تمليك به داین می‌شود و در حق زوجه بر بهای ثمنیه او می‌تواند با امتناع وراثت از تأدیه قیمت، عین را تملك کند. این حق تملك، يك حق وثیقه قهری است که در تقسیمات حق، آن را «حق عینی تبعی» می‌نامیم که زوجه می‌تواند با استفاده از این حق، حق دینی خود را به حق عینی

اصلی (یعنی حق مالکیت) تبدیل کند. زوجه می‌تواند از حق وثیقه‌ای که ماده‌ی ۹۴۸ ق.م. برای او شناخته است، درگذرد و باز الزام وراث را به ادای قیمت خواستار شود و استفاده از فعل «می‌تواند» در این ماده، اختیار و اقتدار او را در استفاده از این حق وثیقه نشان می‌دهد. بنا به مراتب فوق، حق زوجه را بر بهای ثمنیه اموال غیرمنقول می‌توان يك حق دینی شناخت که قهراً بر ذمه‌ی ورثه تعلق می‌گیرد با نوعی حق وثیقه‌ی قهری نسبت به عرصه و اعیان اموال غیرمنقول که در صورت استتکاف ورثه از ادای مافی‌الذمه، او قادر به تملك (حق مالکیت) ثمنیه اموال مزبور می‌باشد. در نتیجه، این حق دینی می‌تواند ساقط شود به هر سببی که مناسب برای اسقاط آن است:

- ۱ - وراث می‌توانند مطابق مقررات اصلاح موادی از آیین‌نامه قانون ثبت، قیمت ثمنیه را به زوجه بپردازند (وفای به عهد) و سند مالکیت سهمی خود از مال غیرمنقول را بدون استثنای حق ثمنیه از اداره ثبت دریافت کنند. وراث بدون توسل به شیوه‌ی پیش‌بینی شده در آیین‌نامه قانون ثبت با ارائه‌ی اقرارنامه رسمی وصول بهای ثمنیه به اداره‌ی ثبت نیز توان این کار را دارند.
- ۲ - زوجه امتناع وراث را اثبات کند و سند مالکیت ثمنیه مال غیرمنقول را در عرصه و اعیان بگیرد.
- ۳ - ذمه‌ی وراث را بری کند و وراث با ارائه‌ی ابراء‌نامه‌ی رسمی، سند مالکیت بدون استثنای حق ثمنیه خواهند گرفت.
- ۴ - ممکن است شرایط سایر اسباب سقوط تعهد نیز در این باره حاصل شود و یا طرفین بدان توافق کنند. هرچند که احتمال انتخاب شیوه‌های دیگر از سوی طرفین خیلی ضعیف است و البته اقاله در این مورد راه ندارد که اقاله مخصوص عقود است.
- ۵ - شخص ثالث نیز می‌تواند قیمت ثمنیه را به زوجه ادا و پرداخت کند که در این صورت، ذمه‌ی وراث بری می‌شود و می‌توانند اسناد مالکیت خود را بدون استثنای حق ثمنیه از اداره ثبت

اخذ کنند و هیچ حقی برای شخص ثالث ایجاد نمی‌شود جز این که اگر قصد تبرع نداشته و مأذون در پرداخت باشد، حق رجوع برای وصول مبلغ پرداختی به هر یک از وراثت براساس سهم او خواهد داشت.

۶- اگر زوجه حق خود را بر بهای ثمنیه به عقد صلح یا هر عقد مناسب ناقله‌ی دیگر، به هر یک از وراثت یا شخص ثالثی منتقل کند؛ منتقل‌الیه، قائم‌مقام زوجه خواهد بود و او می‌تواند بهای ثمنیه را از وراثت بگیرد و یا در صورت امتناع وراثت، ثمنیه را هم از نظر عرصه و هم از حیث اعیان تملک کند و یا به طریق دیگری با وراثت توافق نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی